



## سیر تطور فرماندهی شهید حاج قاسم سلیمانی

احمد غلامپور<sup>۱</sup>، حمیدرضا قائدعلی<sup>۲</sup> و محمد امین حاکمی<sup>۳</sup>

### چکیده:

هدف: شهید سلیمانی در چهار دهه مجاهدت انقلابی در قامت فرمانده، در مقاطع مختلفی از انقلاب اسلامی ایفای نقش نموده است که در مقاله حاضر مقاطع مختلف فرماندهی ایشان روایت می شود. روش شناسی: به منظور شناخت تصویری کلی از شیوه فرماندهی شهید سلیمانی در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی، از روش روایت پژوهی دانسته های روایی افراد قرین شهید سلیمانی استفاده شده است. یافته ها: نشان دهنده این مطلب است که سیر تکامل فرماندهی شهید سلیمانی در سه مقطع دوران دفاع مقدس، فرماندهی جنوب شرق کشور پس از جنگ تحمیلی، فرماندهی نیروی قدس و در برابر اتفاق های بسیار دشوار بوده است. نتایج: فرماندهی در مکتب شهید سلیمانی دارای ابعاد مختلفی است که باید به آن توجه شود؛ توجه به موضوع های امنیتی، فرهنگی، محرومیت زدایی در کنار بُعد نظامی، قدرت دیپلماسی، ایجاد ارتش بین المللی، اقتدار در برابر دشمن، روحیه مشورت پذیری از نیروها، متواضع و مهربان در برابر مردم، مجاهدت خستگی ناپذیر و پاداش شهادت، از جمله این ویژگی ها است.

**واژگان کلیدی:** قاسم سلیمانی، فرماندهی، دفاع مقدس، مدیریت جهادی، مکتب شهید سلیمانی.

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت سیستم و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع)

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام. mrhr345@gmail.com





آنچه باید در مورد شخصیت شهید گفته شود کمی سخت به نظر می آید. خداوند متعال در عالم شخصیتی بالاتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیافریده، اما ایشان هم از چوپانی شروع کرده اند. یعنی چوپان بوده تا به مرحله رسالت رسیده است. بنابراین هنگامی که راجع به یک شخصیت بحث می شود، باید بررسی کرد این شخصیت از کجا شروع کرده و به کجا رسیده است. به هر حال در تبیین شخصیت های شهدای بزرگوار و قهرمان های ملی باید این مسأله در نظر گرفته شود.

در این مقاله، فعالیت ها و اقدام های شهید سلیمانی در سه مقطع از زندگی ایشان بررسی می گردد.

- دوران هشت سال دفاع مقدس
- فرماندهی شرق کشور بعد از جنگ تحمیلی
- عصر مقاومت و فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران

در شکل گیری شخصیت و خصوصیات شهدا، عوامل بسیاری تأثیر می گذارد. حوادث دوران انقلاب، دوران دفاع مقدس و پس از آن، شخصیت بسیاری از فرماندهان از جمله شهید سلیمانی را شکل داده است. به عنوان مثال، اگر داعش نبود، معلوم نبود که قاسم سلیمانی بتواند این طور اوج بگیرد و این شخصیت را پیدا بکند. همچنین اگر جنگ نبود، معلوم نبود خیلی از فرماندهان و عزیزانی که الآن در قید حیات و در مسئولیت های مختلف مشغول خدمت هستند، این قابلیت ها و توانمندی ها را بتوانند کسب کنند. حوادث و اتفاق ها خودشان مؤثرند، شخصیت فرد به ذات و به صورت فردی می تواند یک مدارجی طی کند و به یک نقطه اوج برسد. در روند حوادث و اتفاق ها هست که آدم ها آبدیده، خلاق و باتجربه می شوند.

## مرور ادبیات نظری تحقیق:

### فرماندهی

فرماندهی اختیاری است که یک فرمانده به سبب درجه یا شغل خود دارا است تا در اداره سازمان یگان تحت فرماندهی خود استفاده و اعمال نماید. فرماندهی شامل اختیارها و مسئولیت هایی است که برای استفاده مؤثر از منابع موجود به منظور طرح ریزی، به کارگیری، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای تحت امر در اجرای مأموریت واگذاری مورد بهره برداری قرار می گیرد (محمدی &

خرازیان, ۱۳۹۳).

اختیار فرماندهی برای فرمانده، کنترل لازم را به منظور انجام مأموریت فراهم می نماید که به واسطه آن از عهده مسئولیت خود برمی آید و اختیار واگذاری به یک فرمانده باید متناسب با مسئولیت محوله به وی باشد (نیازی & همکاران, ۱۳۹۰).

می توان فرماندهی را از لحاظ اختیارات فرماندهی کامل، فرماندهی عملیاتی، فرماندهی منهای عملیاتی، کنترل عملیاتی و کنترل تاکتیکی تقسیم نمود. زمانی که اختیارات یک فرمانده (فرد نظامی) مافوق برای صدور دستورهای یگان های تابعه به نحوی که کلیه جنبه های عملیاتی امور اداری و آماد و پشتیبانی را شامل گردد، فرماندهی کامل نامیده می شود (نیازی & همکاران, ۱۳۹۰).

فرماندهی تصمیم گیری به موقع، درک واضح و شفاف از منطقه عملیات، درک هدف و قصد فرماندهی ارشد، سنجش توانایی زیردستان در انجام مأموریت و عزم فرمانده در دیدن طرح تا رسیدن به نتیجه موفقیت آمیز است (عزیزی, ۱۳۹۶).

فرماندهی و کنترل

تعریف فرماندهی و کنترل، ترتیب دادن تسهیلات، وسایل، نفرات و روش هایی برای دریافت، پرورش دادن و توزیع اطلاعات مورد نیاز تصمیم گیران، برای طرح ریزی هدایت و کنترل عملیات است. فرماندهی و کنترل عبارت از کارکردهای مربوط به ترتیب بندی نیرو و تجهیزات، ارتباطات، تأسیسات راهکارهای یک فرمانده در طرح ریزی، هدایت، هماهنگ سازی و کنترل نیروها و عملیات جهت تحقق کامل مأموریت است. فرماندهی و کنترل مطلق به طور کلی عملکرد یکپارچه است که در آن به کارگیری قابلیت های بالفعل و بالقوه در راستای تحقق اهداف و بر اساس جمع آوری اطلاعات، برآورد وضعیت، طرح و برنامه ریزی با تأکید بر رویکردهای تفکر نظام مند، مدیریت راهبردی و استفاده از روش های نوین تصمیم گیری، به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است (Collins, 1969).

فرماندهی و کنترل معرف کلمات فرماندهی، کنترل، رایانه ها و ارتباطات و هوشمندی اطلاعات است. فرماندهی و کنترل بخش تصمیم گیری و مدیریت نظامی و مؤلفه فناوری اطلاعات یا رایانه ها، ارتباطات و اطلاعات، معرف بخش فناوری این سازمان هستند (علوی & مظلومی, ۱۳۹۰). سازماندهی نفرات و تجهیزات با بهره گیری از اطلاعات برای طرح ریزی، هدایت و کنترل عملیات. هر سیستم فرماندهی و کنترل از مجموعه قوانین و روش های جاری، فرمانده و ستاد، مخابرات بازی جنگ و روش

تصمیم‌گیری تشکیل شده است (زهتاب سلماسی, ۱۳۸۸).

به طور کلی مقصود از هر نوع عملیات نظامی، کنترل توزیع نیروهای میدان نبرد است. برای انجام این کار درک عمیق از محیط بحران و به کارگیری روش‌های مناسب حل مسأله ضروری است. برای رسیدن به یک سیستم فرماندهی و کنترل کارآمد، خودکارسازی فرآیند جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و تصمیم‌سازی، همچنین هوشمندسازی تسلیحات در دستور کار ارتش‌های کلاسیک قرار گرفته است؛ این روند پیش از دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق در سطح نیروهای استراتژیک مانند شبکه هشداردهنده موشک‌های بالستیک و بمب‌افکن‌های استراتژیک شکل گرفت و از اواسط دهه ۱۹۸۰ به سایر سطوح گسترش یافت. واضح است که مدل‌سازی این روش بدون تأمین نیروی انسانی لازم، پشتیبانی فناوری و ساختار و مقررات عملی نیست (قائدان, ۱۳۸۲).

فرماندهی و کنترل از شروع نخستین جنگ‌ها مطرح بوده است و پیدایش آن در مفهوم نوین به دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت فرماندهی عبارت است از: «فرایند تصمیم‌گیری و صدور دستورها و کنترل کارهای ستادی برای محقق شدن فرامین فرماندهی و هدایت». مجموع این دو واژه، اصطلاح C2 را به وجود می‌آورد. در گذشته C2 عموماً بیانگر استفاده از اقدام‌های امنیتی، ضربات نظامی، عملیات روانی، کاهش یا انهدام امکانات فرماندهی و کنترل دشمن به صورت کاملاً سنتی بود ولی امروزه این واژه مفهوم جدیدی یافته است. در ارتش‌های مدرن، C2 به مفهوم فرماندهی و کنترل بر نیروهای تحت امر برای تمام امور نظامی (به کمک دریافت گزارش‌های اطلاعاتی دقیق و مؤثر و سریع)، مبتنی بر فناوری اطلاعاتی، مخابراتی و رایانه‌های پشتیبانی‌کننده در سامانه‌های فرماندهی و کنترل است (Coakley, 1992).

مدیریت دانش در فرماندهی

مدیریت دانش فرآیند نظام‌مند ایجاد، حفظ و پرورش دانش سازمانی است تا از این رهگذر، بهترین بهره‌گیری از دانش شخصی و جمعی به عمل آمده و رسالت جمعی حاصل گردد (B-Bennet, 2003).

مدیریت دانش مؤثر و کارآمد، برای فرماندهان، دانش و اطلاعات مناسب و مرتبط را فراهم می‌سازد تا قادر به اتخاذ تصمیم‌های به موقع و آگاهانه باشند. مدیریت دانش تشریک مساعی مؤثر و کارآمد را به وسیله ایجاد پیوند میان سازمان‌ها و کارکنان نیازمند دانش، برقرار می‌سازد و ابهام‌های جنگ را کاهش



داده و سرعت انطباق را هنگام عملیات پویا و دینامیک افزایش می‌دهد. نیازمندی‌های اطلاعات مهم و اساسی فرماندهان بر توسعه تولید دانش تمرکز دارد. رهبران دانش را به وسیله فهم فرایندها، فعالیت‌ها و سیستم‌های در دسترس برای به اشتراک گذاری اطلاعات، کسب می‌نمایند. فرماندهان و ستادها کارایی و اثربخشی مدیریت دانش را به وسیله این که چه مقدار ابهام‌های جنگ را کاهش داده است، ارزیابی می‌نمایند. مدیریت دانش فاصله و شکاف میان اطلاعات مرتبط و مناسب مورد نیاز فرماندهان و آنچه را از قبل دارند کاهش می‌دهد. ستادها، دانش را از طریق مدیریت دانش برای فرماندهان، سازماندهی و تنظیم می‌نمایند (ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، ۱۳۹۱).

شاخصه‌های فرماندهان و مدیران از دیدگاه امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه‌السلام شاخص‌ها و صفات فرماندهان و مدیران از دیدگاه امام علی علیه‌السلام که در سخنان و نامه‌های آن حضرت خطاب به مالک اشتر در نهج‌البلاغه<sup>۱</sup> آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

پندپذیر، خردمند، مهربان با زیردست و سخت‌گیری با گردن‌فرازان، مصمم در انجام کار، باتجربه، ارتباط با ضعفا و فروتنی، بیان دلایل کارها برای سوءظن، پرهیز از عجله و کار بیهوده، پرهیز از سستی در انجام کار به موقع، دادن حق به صاحب حق در امور مالی و مسئولیتی (اسکندری، ۱۳۹۳).

خصوصیات فرمانده در بیانات مقام معظم رهبری

فرماندهی، یک امر معنوی، یک نوع رهبری، یک نوع اداره همه‌جانبه و یک چیز متکی به ذهن و احساس و عمل و جسم و روح و با سازماندهی و شکل سازمانی صحیح است؛ همان چیزی است که در نیروهای مسلح، موجب کارایی کامل می‌شود.<sup>۲</sup> در فرماندهی، رهبری وجود دارد. جوهر فرماندهی، رهبری است. فرمانده نظامی فقط به ابلاغ آیین‌نامه و دستور نمی‌پردازد، بلکه مجموعه تحت فرماندهی خود را رهبری می‌کند؛ یعنی فکر و جان و دل آن‌ها را هم مانند جسم آن را هدایت می‌نماید.<sup>۳</sup> رهبری، یعنی حرکت، رفتار و نشان دادن شاخصه‌هایی که جای آن بکن و نکن را بگیرد؛ بدون بکن و نکن، حرکت ایجاد کند؛ حرکتی از روی دل. به جای ارتباط گرفتن با جسم‌ها، باید با دل‌ها ارتباط وجود

<sup>۱</sup> نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

<sup>۲</sup> بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نظامی و انتظامی؛ ۱۳۶۹/۱۰/۲۲

<sup>۳</sup> بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری امام علی(ع)؛ ۱۳۸۱/۰۸/۰۷

داشته باشد؛ این را باید در خودتان به وجود بیاورید و در خودتان تقویت کنید<sup>۱</sup>.

ویژگی‌های زیر به طریق تحلیل محتوا از بیانات فرمانده معظم کل قوا به عنوان خصوصیات بارز یک

فرمانده احصا گردیده است ( اسکندری, ۱۳۹۳):

- ایمان،
- مسئولیت‌پذیری،
- پشتکار،
- اشراف و کنترل بر ارکان حیطة مأموریت خود،
- رعایت اخلاق در تعامل با زیردستان،
- حضور در کنار نیروها،
- صمیمیت،
- برادری.

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روایت‌پژوهی است. روایت‌پژوهی به معنی یافت و قیاس در کشف روایت است. روایت‌پژوهی نوعی از مطالعه و بررسی است که افراد به دو دلیل از آن بهره می‌برند: ۱- برای تغییر وضعیت نامطلوب و رسیدن به وضعیت نسبتاً مطلوب و در نهایت بهسازی کارها در محیط شغلیشان بکار می‌برند و ۲- برای تبیین و بازگو کردن روایت‌های خود از پدیده مورد بررسی (Avison, 1999). روایت‌پژوهی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود که عمدتاً برای فهم عمیق دیدگاه‌های تجربی خبرگان کاربرد دارد. از روایت‌پژوهی برای درک عمیق افراد قرین و نزدیک در روایت رهبران استفاده می‌شود. در این رویکرد، پژوهشگر که یا به عنوان مرجع تغییر و تحول امور جاری متکی بر تجربیات مثبت یا منفی روایت شونده استفاده شده است. فرد قرین به عنوان راوی پدیده عمل می‌کند، مساله یا مشکل را شناسایی یا به ارائه آنچه از پدیده دیده است می‌پردازد. منع کسب ایده‌های روایی غالباً صداقت در روایت است. اگر راوی پدیده را به درستی شرح

<sup>۱</sup> بیانات مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش؛ ۱۳۹۱/۰۲/۰۳



دهد، روایت پژوهی به ثمر نشسته است. برای این منظور راوی، به طور دقیق اطلاعاتی را جمع آوری می‌کند و سپس به اقدام مناسب مبادرت می‌ورزد و از نتایج اقدام ارزیابی به عمل می‌آورد (عابدی، شواخی، & جعفری هرنندی، روش شناسی اقدام پژوهی و کاربرد آن در پژوهش های علوم رفتاری، ۱۳۸۶). در این پژوهش، با عنایت به قرین بودن پژوهشگر با شهید سلیمانی، می‌توان انتظار داشت که روایت او از پدیده مورد بررسی (مکتب شهید سلیمانی) نافذ باشد. از این رو نشستی تخصصی با ارائه احمد غلامپور پیرامون موضوع مقاله با حضور خبرگان و همزمان شهید سلیمانی برگزار گردید و نتایج حاصل از آن پس از تایید جمع خبرگانی حاضر در جلسه در مقاله ارائه شده است.

## یافته‌های تحقیق:

روایت اول: شهید سلیمانی در دفاع مقدس

آغاز فرماندهی شهید سلیمانی در دوران دفاع مقدس

شهید قاسم سلیمانی به همراه یک گردان نیرو با سرپرستی شهید مؤذن از کرمان به جبهه آمده بودند. معین شد تا در منطقه حمیدیه زیر نظر شهید علی هاشمی مسئول آن محور و جبهه، مستقر بشوند که به آن جبهه ترار می‌گفتند. مجموعه نیروهایی که از کرمان آمده بودند، در آنجا فعالیت‌ها و قابلیت‌های خیلی خوبی از خودشان نشان دادند.

پس از شهادت آقای مؤذن، به دلیل سابقه‌ای که حاج قاسم در سپاه کرمان داشت و قابلیت‌هایی که از خود نشان داده بود، به عنوان مسئول بچه‌های کرمان شناخته شد و بعد از مدتی فعالیت، برای اولین بار به صورت سازمان یافته نیروهای کرمان با دو گردان نیرو تحت سرپرستی شهید قاسم سلیمانی وارد یک عملیات شدند. ایشان تحت نظر و عمل سردار مرتضی قربانی که آنجا برای اولین بار نیروهایش در قالب یک تیپ معرفی شد، حکم گرفتند تا این دو گردان شهید سلیمانی زیر نظر آقای قربانی عملیات کنند. بدین ترتیب اولین مشارکت را در یک عملیات سازمان یافته بزرگ انجام دادند. البته در جبهه ترار هم دو یا سه عملیات کوچک و محدود انجام شده بود و این بچه‌ها آنجا مشارکت داشتند.

بعد از عملیات طریق القدس، تیپ ۴۱ ثارالله به شکل سازمان یافته تر و با حجم نیروی بیش‌تری تشکیل شد. بنابراین برای اولین بار سردار قاسم سلیمانی در عملیات فتح المبین تحت عنوان فرمانده تیپ ۴۱ ثارالله، زیر نظر قرارگاه قدس با مسئولیت سردار عزیز جعفری، عملیات کردند. در کنار آن‌ها تیپ



امام حسین علیه السلام و تیپ ۸۴ خرم آباد از ارتش به صورت سازمان یافته قرار داشتند.

پس از عملیات فتح المبین، در عملیات بیت المقدس نیز به عنوان فرمانده تیپ زیر نظر قرارگاه قدس با مسئولیت احمد غلامپور فعالیت کردند. قرارگاه قدس یگان‌هایی در اختیار داشت از جمله تیپ عاشورا، تیپ امام رضا علیه السلام، تیپ بیت المقدس، تیپ نور و تیپ ۴۱ ثارالله. قرارگاه قدس مأموریت داشت دو لشکر عمقی پنج و شش عراق را زمین گیر کنند تا دو قرارگاه دیگر بتوانند با عبور از کارون به اهداف خودشان در جاده آسفالت اهواز خرمشهر و بعد دژ مرزی برسند.

آن زمان جبهه در موقعیت سختی بود؛ و با رودخانه کرخه کم آب با عرض کمتر از ۳۰ متر مواجه بودند، شاید بتوان گفت به یک نهر بیش‌تر شبیه بوده تا یک رودخانه. آنجا اولین بار بود که به صورت‌های مستقیم و عینی قابلیت‌های سردار سلیمانی به چشم می‌خورد. یعنی در حالی که عملیات، یک عملیات پشتیبانی بود اما جدیت ایشان در پذیرش مأموریت، آماده‌سازی نیروها و اقدام بر علیه دشمن بسیار چشم گیر بود. به طوری که شاید از آن پنج تیبی که در کنترل عملیاتی قرارگاه بود و با آن عملیات انجام می‌شد، سردار سلیمانی و تیپ تحت امر او نسبت به بقیه یگان‌ها حداقل دو سه بار در این چند روزی که درگیری با دو لشکر پنج و شش وجود داشت، از آن موانع بسیار سخت و پیچیده و فاصله کمی که تا دشمن بود (حداکثر سی چهل متر)، عبور می‌کردند و به خط دشمن می‌زدند تلفاتی وارد می‌کردند و به طبع، خودشان هم تلفات می‌دادند و برمی‌گشتند. این جدیت، مهم‌ترین نکته‌ای بود که در مأموریت ایشان وجود داشت.

به بیانی آن‌ها باید آنقدر محکم و جدی با دشمن می‌جنگیدند که دشمن متوجه نشود تلاش اصلی در جای دیگر است و قرار است از آن محور وارد محدوده دشمن شوند. آنجا واقعا قاسم سلیمانی به عنوان یک فرمانده لایق و شایسته دیده شد. نسبت به مأموریت‌ها و نیروهای بسیار جدی و مسلط عمل می‌کرد. به هر حال موفقیت خوبی به دست آمد و بعد از عقب نشینی دشمن، پیشروی نیروها تا مرز ادامه پیدا کرد.

#### عملیات بیت المقدس

در آن منطقه، بخشی از مرز حالت قائم الزاویه دارد. در این حالت طبیعتاً مشکل دشمن این بود که اگر نیروهای ایرانی به دژ مرزی خود می‌چسبیدند، دشمن از دو طرف آسیب پذیر بود. بنابراین دشمن

یک خاکریز هلالی شکل درست کرد. آن قائم الزاویه تبدیل به یک موضع دفاعی آسیب‌ناپذیر برای عراق تبدیل شد. مأموریت آقای سلیمانی هم در همین منطقه بود. یعنی جایی که مرز قائم الزاویه بود و دشمن اصرار داشت اجازه ندهد نیروهای ایران به مرز نزدیک شوند. فرماندهان ایرانی هم اصرار داشتند که در آن مرز بین‌المللی مستقر شوند. در آن شرایط خیلی به حاج قاسم و تیپ او فشار آمد. یگان مقابل هم از ارتش عراق، لشکر پنج مکانیزه عراق بود. آنقدر به ایشان فشار آمده بود که مرحوم صیاف مأموریت پیدا کرد پیش سردار سلیمانی برود و ایشان را از لحاظ روحی کمک کند. به هر حال عملیات بیت المقدس تمام شد.

تقریباً دو سه سال پیش بود که با آقای شمخانی در دبیر خانه شورای عالی امنیت ملی جلساتی داشتیم. بعد از جلسه حاج قاسم گفت: حاج احمد! خاطرتان هست عملیات بیت المقدس لشکر پنج چه فشاری به من وارد شد؟ گفت: بله؛ حالا چرا یاد آن زمان افتادی؟ گفت: هفته گذشته فرمانده لشکر پنج عراق (البته نه همان فرمانده یک فرمانده دیگر ولی فرمانده لشکر پنج عراق) آمده دوزانو روبه روی من نشسته و به من گفته بگو من چه کار کنم؟ مأموریت من چیست؟ می‌گفت قدرت خدا را ببینید که آنجا در آن شرایط جنگ چه وضعی داشتیم و الآن خدا چقدر به ما عزت داده که فرمانده جدید همان لشکر پنج عراق می‌آید دوزانو جلو ما می‌نشیند و می‌گوید آقا برای من مأموریت تعیین کن.

بعد از عملیات بیت المقدس که عملیات موفق بود و طبیعتاً تجارب خوبی می‌توانست نصیب فرماندهان کند، نوبت عملیات رمضان می‌شود. بیش‌ترین مأموریت‌های تیپ ۴۱ ثارالله قرارگاه قدس تا قبل از عملیات خیبر بود.

#### فرماندهی شهید سلیمانی در عملیات والفجر ۸

قضاوت در مورد قاسم متفاوت است. همه می‌پذیرند که قاسم آن قاسمی که قبلاً می‌شناختند نیست. قاسمی است که قابلیت‌ها و استعدادها و توانمندی‌های زیادی دارد که می‌تواند از اینی که هست بالاتر برود. نقطه اوج شهید سلیمانی در مقطع جنگ عملیات والفجر هشت بود. در عملیات والفجر ۸ سخت‌ترین بخش عملیات را آقای سلیمانی داشتند. به دلیل اینکه یگان ایشان تقریباً سمت چپ همه یگان‌ها بود. اگر یک خط حدی وجود داشت، یگان‌ها را بخواهند چیده شوند. عرض رودخانه در

منطقه اولیه که یک یگان حضور داشت، در والفجر ۸ چهارصد متر بود. تا جایی که انتهای آن به محل استقرار قاسم سلیمانی می رسید، حدود ۱۴۰۰ متر عرض رودخانه است. یعنی اگر بقیه فرماندهان لشکر باید حدود چهارصد یا پانصد متر عرض رودخانه را طی می کردند، یگان شهید سلیمانی باید حدود ۱۴۰۰ متر عرض رودخانه را طی می کرد. عبور از رودخانه ای عریض مثل اروند، خیلی کار سختی بود و یکی از شاهکارهای شهید سلیمانی در عملیات والفجر ۸ این بود که توانست به بهترین شکل ممکن و با کامل ترین و جامع ترین شکل حتی فراتر از انتظار این رودخانه را طی کند و با غواص هایش خط را بشکند و در یک حرکت دورانی، عقبه دشمن را به طور کامل ببندد. علاوه بر آن توانست آن پایگاه اصلی موشکی عراق که راه دریایی را در منطقه ماهشهر بسته بود و صادرات نفت را به صفر رسانده بود، ساقط کند و یک نقش بسیار مؤثر و بزرگی در عملیات والفجر ۸ ایفا کند.

#### فرماندهی شهید سلیمانی در عملیات کربلای ۵

این موفقیت ها به این نقطه ختم نشد. وقتی عملیات کربلای ۵ اتفاق می افتد، قاسم سلیمانی پر از استثنائاتی بود که در جریان عملیات ها و جنگ دیده شد. اینجا نقش شهید سلیمانی و یگانش در عملیات کربلای ۵ یک نقش بی نظیر بود. برای عملیاتی که بعد از عملیات کربلای چهار انجام می شود، ۱۶ یا ۱۷ روز بیش تر وقت نبود. قبل از آن در کربلای ۴، نیروها آسیب دیده و یگان ها از لحاظ روحی و روانی در شرایط بدی قرار دارند.

مأموریتی که اینجا به شهید سلیمانی داده می شود، این است که ایشان در همان شب اول به اتفاق بعضی یگان های دیگر دشمن را بشکافند و یک محدوده ای را در قالب سر پل بگیرند تا قرارگاه های دیگر بیایند و از بین آن ها رد شوند. اینجا یک حرکت استثنایی انجام شد. البته در کنار تیپ ۴۱ ثارالله و شهید سلیمانی، سردار مرتضی قربانی هم عالی عمل کردند. یعنی ایشان هم در کنار این تیم به صورت دو یگان هم جوار در منطقه غیر قابل شکاف شلمچه، خط دشمن را می شکافند و به کانال ماهی گیری می رسند و شرایط بسیار سختی برای دشمن ایجاد می کنند.

زمانی که همه ذهن و فکر دشمن معطوف به پس زدن دو لشکر ۲۵ کربلا و ۴۱ ثارالله است، فرصتی ایجاد می شود که به هدف ها دسترسی پیدا کنند و این نقطه ای که لشکر ۴۱ ثارالله با فرماندهی شهید سلیمانی و لشکر ۲۵ کربلا دسترسی پیدا کردند، یک نقطه ای بود که حالت مرگ و زندگی برای دشمن

داشت.

فردای عملیات ساعت نه و ده صبح یکی از تیپ‌های دشمن قصد پاتک کرد. از آنها اسیر گرفته شد و به قرارگاه آوردند. در صحبت فرمانده با آنها می‌گفتند: ما دیشب در منطقه اشنویه بودیم. بعد از اینکه شما عملیات انجام دادید شبانه ما را سوار کردند و صبح زود رساندند و گفتند پاتک کنید. یعنی آنقدر برای دشمن حیاتی بود که یگان‌ها را با این فاصله هزار و چند صد کیلومتری با سرعت جابه‌جا کردند.

در مقاطع جنگ، نقطه اوج قاسم سلیمانی در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ است. البته در عملیات‌هایی موفق بودند، ولی نقطه اوج شهید سلیمانی را می‌توان در آن مقطع از جنگ دید.

#### شخصیت چندوجهی شهید سلیمانی

شاید یکی از نکاتی که نسبت به حاج قاسم وجود داشت و قضاوت‌ها را نسبت به ایشان دچار اشتباه می‌کرد، این بود که حاج قاسم به لحاظ چهره و جدیت خیلی عبوس و خشن نشان داده می‌شد. یعنی هر کسی که به او نگاه می‌کرد فکر می‌کرد یک آدم عبوس و خشن است که نمی‌شود نزدیکش شد و با آن صحبت کرد. ولی واقعاً قلب بزرگی داشتند. شاید قابل تصور نباشد که یکی از اصلی‌ترین فرماندهانی که بیش‌ترین شوخی و بیش‌ترین رابطه عاطفی با بقیه فرماندهان و قرارگاه‌ها داشتند، ایشان بود. حاج قاسم واقعاً یک شخصیت چندوجهی بود. گاهی وقت‌ها که در عملیات‌ها به یگان‌ها فشار می‌آمد و احساس می‌کرد شهید زیاد داده است، با بغض و گریه سراغ فرمانده‌اش می‌آمد. می‌گفت من دیگر نمی‌توانم این همه شهید را تحمل کنم.

حاج قاسم غیر از اینکه خودش یک بچه روستایی تمام‌عیار بود. از یک منطقه کاملاً محروم روستایی آمده بود و با همه وجود فقر و محرومیت را درک می‌کرد. لذا نسبت به این مسأله خیلی حساس بود. در عین حال که دل بزرگی داشتند و شاید در فضاهای خاص شوخ‌ترین فرمانده محسوب می‌شد.

گاهی وقت‌ها برای سمینار به تهران می‌آمدیم و همه فرماندهان با لباس رسمی آمده بودند. همه فرماندهان از جمله آقا محسن رضایی نشسته بودند که یک دفعه وسط جلسه یا تنفس یک شلنگ آب در جلسه دیده شد. اصلاً کسی باورش نمی‌شد که قاسم سلیمانی آنقدر شوخ باشد که با شلنگ داخل

بیاید و آب را روی همه فرماندهان بگیرد.

واقعاً یک شخصیت چند وجهی بود و شناخت ایشان مقداری سخت بود. مخصوصاً برای کسانی که با ایشان ارتباط کمی داشتند. به هر حال شهید سلیمانی این مسیر را با همه سختی‌ها و وضعیتی که داشت طی کرد. شهید سلیمانی در این سه مقطعی که اشاره شد، در دوران جنگ و شرق کشور و منطقه مقاومت، سه نقطه اوج دارد. نقطه اوج به معنای این که تعالی و ظهور و بروز قاسم سلیمانی به اعلا ترین شکل ممکن اینجا دیده می‌شود.

روایت دوم: فرماندهی شهید سلیمانی در شرق کشور بعد از دوران دفاع مقدس طبیعتاً بعد از جنگ دو مشکل بزرگ وجود داشت. یک مشکل در شمال غرب بود که عناصر ضد انقلاب و گُرد خیلی فعال بودند و مشکلات زیادی را برای نظام و مردم ایجاد کرده بودند. یک مشکل هم در شرق کشور بود که اشرار و گروه‌های تروریستی تحت حمایت برخی کشورهای همسایه بودند و مشکلات بسیاری ایجاد می‌کردند و افراد زیادی را به شهادت می‌رساندند.

به دلیل قابلیت‌هایی که در شخصیت شهید سلیمانی بود، ایشان فرمانده قرارگاه شرق کشور در منطقه کرمان و سیستان و بلوچستان و بخشی از خراسان شدند. آنجا یک قرارگاهی تشکیل شد تحت عنوان قرارگاه قدس و ایشان به عنوان فرمانده قرارگاه، اقدام‌های بی‌نظیری انجام دادند. قبل از آن فرمانده قرارگاه قدس یا شرق کشور بود، ولی با حضور سردار سلیمانی اتفاقات بسیار بزرگی افتاد که این اتفاقات فقط در حوزه نظامی نبود. این اتفاقات در حوزه‌های نظامی، امنیتی و فرهنگی بود. در واقع کارهایی که شهید شوشتری انجام می‌داد ادامه کارهایی بود که شهید سلیمانی آن را شروع کرده بود.

آنجا شهید سلیمانی کارهای بزرگی را در حوزه نظامی انجام داد. ایشان تمام معابر ورودی و منافذ را بست و با یک قدرت نظامی قابل توجه آنجا حضور پیدا کرد. وقتی از قدرت نظامی مطمئن شد و به دشمن تحمیل کرد، وارد حوزه امنیتی شد و کار اطلاعاتی بسیار قوی انجام داد و برای شناخت عناصر ضد انقلاب و دشمن دست به کار شد و به موازات آن کارهای فرهنگی انجام داد. در منطقه هم محرومیت زدایی، هم کار فرهنگی می‌کرد و هم طوری رفتار می‌کرد که نگاه جمعیت منطقه یک نگاه مثبتی نسبت به حضور قدرتمند سپاه باشد.

یکی از مواردی که همان‌جا اتفاق افتاد؛ خیلی اتفاق جالبی بود. ایشان با یکی از اشرار بسیار متبحر و



خون خوار منطقه مذاکره کرده بود و او هم گفته بود اگر شما به من امان بدهید و کاری به من نداشته باشید من حاضرم بیایم. شرایط این آدم طوری بود که حاج قاسم مجبور شد آمد پیش مقام معظم رهبری و از ایشان اجازه گرفت که این کار را انجام بدهد و این کار را هم انجام داد و آن آدم آمد در اختیار جمهوری اسلامی و در واقع جزء مجموعه عناصر اطلاعاتی ما قرار گرفت.

ابعاد نظامی، امنیتی، محرومیت زدایی و فرهنگی فرماندهی شهید سلیمانی

فرماندهان نگاهشان و نوع مدیریت و عملکردشان صرفاً یک مدیریت صرف نظامی نیست. هم زمان با اینکه به وظیفه اصلی خود یعنی کار نظامی متعهد هستند، در کنارش اقدام های مؤثر و مفیدی از جنس فرهنگی و امنیتی نیز انجام می دهند. سپاه در عین اینکه یک ارگان نیروهای مسلح تلقی می شود، اما در حوزه امنیتی نیز کارهای بزرگی می کند. مثلاً گرفتن گروه تروریستی الاحوازیه یا قبل آن. یک سری اقدام های امنیتی در کنار اقدام های نظامی انجام می دهند و با همه وجود سعی می کنند به لحاظ محرومیت زدایی و فرهنگی به مردم منطقه خدمت کنند و این چند بعدی بودن یکی از مهم ترین نکاتی است که در حوزه فرماندهی و مدیریت نیروهای سپاه دیده می شود.

این نوع مدیریت و فرماندهی در هیچ ساختار نظامی در دنیا پیدا نمی شود. فرض کنید یک تشکیلات نظامی در کشورهای غربی بخواهند مأموریتی در یک مکانی انجام بدهند. برای مثال عراق توسط امریکایی ها تسخیر شد. کجا سراغ دارید امریکا یک کار محرومیت زدایی انجام داده باشد؟ یا دست بر سر کسی کشیده باشند یا نان و آب به کسی داده باشند یا تبلیغ کرده باشند که آمده ایم با حضور خودتان به شما امنیت بدهیم.

این کار بی نظیر بود چه در حوزه فرماندهی و چه در مدیریت که خواست سپاه و فرماندهان سپاه است. همین کار را شهید احمد کاظمی در شمال غرب انجام می دهد. یعنی ایشان هم می رفت و دقیقاً همین مدل کاری را که شهید قاسم سلیمانی می کرد، آنجا انجام می داد. بنابراین نوع مدیریت و اعمال فرماندهی ما ریشه در یک نفس انسانی دارد. نفسی که معتقد به خدا است و با الهام گیری از مکتب اسلام اعمال وظیفه می کند و نتیجه و خروجی آن را قابل مشاهده است.

روایت سوم: فرماندهی شهید سلیمانی در نیروی قدس سپاه

بعد از اینکه قابلیت‌های شهید سلیمانی در شرق کشور نمود پیدا کرد و از لحاظ توانمندی شرایطی ایجاد نمود که خیال نظام از شرق کشور راحت شد، تصمیم فرمانده کل سپاه این بود که ایشان را به عنوان فرمانده نیروی قدس انتخاب کند. فرمانده اسبق نیروی قدس سردار وحیدی بود. نیروی قدس مأموریت‌های خاص خودش را داشت؛ شاید مهم‌ترین مأموریت نیروی قدس بیش‌تر در حوزه امنیتی بود.

به عبارتی نیروی قدس خیلی از منظر نیروی عملیاتی و نظامی دیده نمی‌شد. یک نیرویی بود که عمدتاً مأموریت‌های امنیتی آن هم موردهای خاص و منحصر به فرد را انجام می‌دادند. اما بعضی وقت‌ها شرایط و اتفاقاتی که ایجاب می‌کند قابلیت‌های یک فرمانده بروز داده می‌شود، همین بحث تغییر شرایط در منطقه و به‌ویژه پیدا شدن جریان داعش بود.

#### جریان خطرناک داعش، یک تهدید ملی

وقتی که جریان داعش به وجود آمد، معلوم شد دشمن یک نقشه بسیار بزرگ و خطرناک برای کل منطقه، نه فقط ایران دارد. البته ایران جزء اصلی‌ترین اهداف داعش بود. جریان داعش شرایط منطقه را تغییر می‌داد و به قول خودشان می‌خواستند یک خاورمیانه جدید درست بکنند. با راه افتادن جریان داعش به عنوان یک پدیده جدید، طبیعتاً جمهوری اسلامی ایران باید غافلگیر می‌شد و تاحدی غافلگیر هم شد. وقتی داعش حملات خود را شروع کرد به خصوص در سوریه، برای همه غافلگیرکننده بود.

آن زمان تازه ایران وارد عمل شد. ورود در چنین شرایطی خیلی سخت بود. گاهی وقت‌ها یک چیزهایی گفته می‌شود اما هنگامی که در فضای واقعی آن شرایط قرار گرفته شود، می‌بیند کار غیر ممکن است. تشخیص موقعیت و شرایط و وارد عمل شدن در این شرایط سخت کار بسیار دشواری است. شما در وضعیتی قرار بگیرید که بگویند این کار تمام شده است. یعنی برگرداندن و تغییر کار غیرممکن بود.

اما شما با همان شرایط و وضعیت وارد عمل شوید و آن شرایط را تغییر بدهید، کار خیلی بزرگی است. سخت است شما نسبت به چیزی کاملاً ناامید باشید و بدانید برگرداندن آن شرایط غیر ممکن است، اما با همان شرایط و حداقل امکانات، آن هم نه در سرزمین و کشور خود، بلکه جایی که نه فرهنگ شما را دارند و نه با زبان شما آشنایند. به عبارتی شما وارد یک سرزمینی می‌شوید که نه زبان‌شان



را می فهمید نه فرهنگشان را بلدید، نه نسبت به جغرافیای آنها توجیه هستید. اما ورود کنید و بخواهید مدیریت کنید و شرایط را هم برگردانید. این اتفاق و کار کوچکی نیست.

در حوزه فرماندهی کلاسیک اگر نگاه کنند حتما می گویند این کار نشدنی است. در جنگ وقتی عملیات خیر را می خواستند، انجام دهند؛ برخی می گفتند این محال و غیر ممکن است؛ ولی یک پدیده به نام علی هاشمی پیدا می شود با یک مجموعه به نام نصرت، این غیر ممکن را ممکن می کنند. در عملیات والفجر ۸ نیز گفتند محال است بتوانید از اروند عبور کنید، اگر خیلی هنر کنید عبور کنید شما را دوباره در آب می اندازند. ولی یک مجموعه فرماندهانی پیدا می شوند این را ممکن می کنند.

بنابراین تشریح این وضعیت بسیار دشوار است که پایتخت یک کشور دارد سقوط می کند، دشمن رسیده به پانصد متری کاخ که دیگر کار را تمام کند. بعد از یک مجرای می خواهید ورود کنید بروید که نه زبانشان را می دانید، نه فرهنگشان را می دانید، نه جغرافیای آن ها را می شناسید؛ بعد از ورود هم موفق بشوید شرایط را تغییر بدهید.

این ها چیزهایی است که نیاز به یک مکتب جدید دارد تحت عنوان مکتب شهید سلیمانی. تبیین و بررسی این اتفاقات به این نتیجه منجر می شود که ما حتماً با اینها صاحب یک مکتب جدیدی خواهیم شد که با مکاتب دیگر خیلی فرق می کند؛ هم به لحاظ علم روز دنیا هم به لحاظ نگاه کلاسیک به ساختارهای سازمان های نظامی. کارهایی که ما انجام می دهیم و اتفاقاتی که برای ما می افتد اصلاً با مکاتب رایج قابل توجیه نیست.

#### فرماندهی شهید سلیمانی در مقابله با داعش

اولین اقدام در این صحنه، سد کردن دشمن است. اولاً باید از سقوط جلوگیری شود، ثانیاً دشمن از مناطق اشغالی خارج شود و ثالثاً موجب شکست دشمن شود. این سه اتفاق توسط برنامه ریزی سردار سلیمانی انجام می شود.

اول متوقف کردن دشمن، دوم حذف از مناطق اشغالی و سوم اعلام نابودی داعش در ۳ ماه! این فرایند زیاد طول کشیده و شوخی نیست. یعنی در میدان نبرد شوخی نیست، رهبری به این مضمون فرمودند که کارهایی سردار سلیمانی کرده که بعضی ها هنوز مانده که متوجه بشوند. اما این اتفاقاتی که رقم خورد محصول یک تفکر خلاقانه و شجاعانه و همراه با توکل بر خدا بود.



شما ببینید فرماندهی با این همه فشار، کار بسیار دشواری است. واقعا کار حاج قاسم بی نظیر بود.

وحشت دشمن از شهید سلیمانی

عظمت و بزرگی کار حاج قاسم این بود که دشمن را به وحشت انداخته بود. برخی ها فکر می کنند شهادت حاج قاسم توسط امریکایی ها کاری بی نظیر بود؛ اما واقعا اینطور نبود. چون امریکایی ها خیلی پایگاه در منطقه داشتند که زدن حاج قاسم برای آنها کاری نداشت. خود حاج قاسم می گفت یک سفر می رفتم سمت سوریه، در آسمان دو جنگنده آمدند ما را اسکورت کردند آنقدر نزدیک بودند که خلبان جنگنده را دیدم. شخصیت حاج قاسم طوری بود که از ایشان وحشت داشتند که عواقب این کار چه چیزهایی خواهد بود.

اما نابودی داعش با تیزهوشی حاج قاسم دشمن را به نقطه ای رسانده بود که این کار را کنند؛ آن هم یک شخصیت مثل ترامپ. چون هر کسی دیگری بود باز این کار را نمی کرد، ولی آدم دیوانه ای مثل ترامپ تصمیم می گیرد ایشان را به شهادت برساند.

قدرت دیپلماسی انقلابی شهید سلیمانی

یکی از خدماتی که حاج قاسم کرد، وارد کردن کشورهای مختلف از جمله روسیه در جبهه مقاومت بود. در یکی از جلسات در روسیه دو سه نفر از سران ارشد روسیه برای جلسه با حاج قاسم آمدند. آنجا هم شگفت انگیز و هم رضایت بخش است که یک عنصر نظامی که عمده تجربه اش نظامی است، آن چنان مسلط در حوزه امنیتی آن هم درباره قدرت امنیتی روسیه صحبت کند که آنها مجذوب شوند. انگار آمده بودند فرمایشاتی بگیرند و بروند به پوتین منتقل کنند.

خلاصه وارد کردن روسیه برخلاف تصورات غلط برخی ها، معادلات را به خوبی بر هم زد و نیروی هوایی را پیش برد. در نیروی زمینی مشکلی نبود، ولی برتری هوایی خیلی مهم بود و کشاندن روس ها در این قصه، علاوه بر داشتن نقش مکمل در اقدام ها و تقویت هوایی، در حوزه سیاسی نیز جایگاه ما را تقویت کرد. یعنی اگر روسیه کنار کشیده بود می توانستند ده ها مصوبه در شورای امنیتی تصویب کنند. بنابراین نتوانستند در حوزه سیاسی هم آسیبی وارد کنند. لذا این هم از شاهکارهای شهید سلیمانی در بحث مقاومت بود.

در مجموع اتفاقی که رقم خورد تلاش سردار سلیمانی در منطقه بود و واقعا شرایط را در منطقه تغییر داد و نقش بزرگی در پیشبرد خطوط مقدم انقلاب اسلامی داشت. زمانی ما در سوسنگرد برای حفظ انقلاب می جنگیدیم، حالا آنقدر گسترده شده که به مرز اسرائیل رسیده ایم. همین مدل و مکتب هم در عراق می آید. شرایط در عراق سخت تر است. با مدیریت و فرماندهی حاج قاسم، گام بعدی داعشی ها از سوریه به عراق با شکست مواجه شد. شکست داعش و به دست آوردن پیروزی بزرگ، جایگاه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را از فرش به عرش برد و به جایی دست نیافتنی رساند. جایی که دشمن ناامید از شکست جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی شد. و الآن دشمن ناچار است پیروزی های ما را بپذیرد. واقعا در این چند سال فقط فشار تحریم بود که آن هم فشاری که احساس می کنیم ضعف داخلی ما است؛ حتی رهبری هم تأکید فرمودند. می توان گفت این اتفاقی که با مدیریت سردار سلیمانی رقم خورد، موقعیت انقلاب و جمهوری اسلامی را تثبیت کرد

### جمع بندی و نتیجه گیری:

ویژگی های انسانی جملگی ذاتا خوب یا بد نیستند؛ مهم آن است که چگونه مدیریت می شوند. خشم، مهربانی، تکبر، تواضع، کینه توزی، گذشت و ایثار و... هر کدام اگر در جای مناسب خود خرج شوند و انسان بتواند موقعیت را تشخیص دهد، احساسات خود را با این منطق بروز دهد و با شناخت رفتار نماید، سیر تکامل در مکتب شهید سلیمانی را در پیش گرفته است. شهید سلیمانی در برابر دشمن، متکبر و مقتدر بود اما نسبت به مردم و هم کیشان بسیار مهربان و متواضع. وحشت دشمن از سردار سلیمانی، نشان دهنده اقتدار و عشق و علاقه مردم به او، نشان دهنده مهربانی و تواضع ایشان است. هنگامی که نیت الهی و اخلاص به جمع بین این اضداد اضافه شود، ارزش آن افزون می گردد.

جدیت، محکم بودن و اجرای دقیق فرمان به معنای این نیست که حرف های دیگران به کلی شنیده نشود یا تأثیری در تصمیم گیری نداشته باشد. فرمانده در مکتب شهید سلیمانی روحیه مشورت پذیری دارد و در تصمیم گیری های خود با نیروها و دیگر فرماندهان مشورت می کند اما هنگام عمل، عزمی جدی دارد که خللی به آن وارد نمی شود. به طور کلی خصوصیات این مکتب همگی با تمسک به قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت گرامی ایشان به دست آمده است. همانند آیه شریفه ۱۵۹ سوره آل عمران: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَكَوْنْتَ فَطًّا غَلِيظًا أَلْقَبَ لَأَنْفُسُوا مِنْ



حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». آیات قرآن کریم بر پیامبر مکرم اسلام نازل شده است اما اگر دقتی شود شهید سلیمانی را نیز می توان مصداق این آیه و آیات قرآن دانست. که نهایت کمال انسان در بندگی و عمل به قرآن است تا جایی که سعادت آن باشد که خود مصداقی از آن شود.

### منابع و مآخذ:

اسکندری، م. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مدیریت، رهبری، فرماندهی و کنترل. تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.  
اعرابی، س. (۱۳۸۲). طراحی ساختار سازمانی (جلد چاپ چهارم). تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

Avison, D. E. (۱۹۹۹). Action research. *Communications of the ACM* , ۴۲(۱), ۹۴-۹۷.

B-Bennet, A. a. (۲۰۰۳). the Partnership between Organizational Learning and Knowledge Management. *Handbook on Knowledge Management* , ۴۳۹-۴۵۶.

Brundrett, M. a. (۲۰۰۶). The rise of leadership development programmes: A global phenomenon and a complex web. *School Leadership & Management*. ۲۶(۲), ۸۹-۹۲.

Christiansen, B. a. (۲۰۱۷). *Handbook of research on organizational culture and diversity in the modern workforce*. IGI Global.

Coakley, T. P. (۱۹۹۲). *Command and control for war and peace*. Diane Publishing.

Collins, J. L. (۱۹۶۹). *War in Peacetime: The History and Lessons of Korea*. Boston: Houghton Mifflin.

Corps, U. M. (۱۹۹۶). *Command and control Marine Corps Doctrine Publication*. ۴۷-۴۵, ۶,

Kippenberger, T. (۲۰۰۲). *Leadership Styles: Leading 08.04*. (جلد ۸). John Wiley & Sons.

Sheridan, T. B. (۱۹۸۸). *Trustworthiness of command and control systems Analysis, Design and Evaluation of Man-Machine Systems-۴۲۷*, ۴۳۱.

حیسی، و نیک بخش. (۱۳۹۲). *ماهیت شناسی جنگ در فضای عدم تقارن*. تهران: مرکز انتشارات راهبردی.

حقیری، ع. و ستاریخواه، ع. (۱۳۸۴). *سامانه فرماندهی و کنترل به عنوان عامل برتری ساز در نیروهای مسلح*. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۷ (۲۳ و ۲۴).

رستمی، م. (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه‌های نظامی*. تهران: ستاد مشترک ارتش ج. ا. ا.

زهدتاب سلماسی، ی. (۱۳۸۸). *جنگ‌های آینده*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش.

ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا. (۱۳۹۱). *تدبیر کارکردی فرماندهی و کنترل مشترک* (جلد چاپ اول). (ب. مرادی، مترجم) تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، حوزه هسته‌های نوآوری دفاعی.

ستاریخواه، ع. و پردیس، س. (۱۳۸۹). *سامانه (نظام) فرماندهی و کنترل یکپارچه پدافند غیرعامل کشور*. دانشگاه شریف چهارمین کنفرانس فرماندهی و کنترل ایران.

سلامی، ح. و علوی، ع. (۱۳۹۶). *شناسایی و تعیین عوامل مؤثر در ایجاد نظام فرماندهی و کنترل ارتباطات و اطلاعات شبکه محور دفاعی (نظامی)*. *مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۱۵ (۷۰)، ۱۰۱-۱۲۴.

سیدنقوی، ع. و رفعتی آلاشتی، ک. و میری، م. (۱۳۸۷). *رهبری تحول آفرین و رابطه آن با رفتار شهروندی سازمانی*. *کنفرانس ملی مدیریت رفتار شهروندی سازمانی* (۱)، ۱-۱۱.

شاین، ا. (۱۳۸۳). *مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری*. (ب. فرهی بوزنجانی، و ش. نوری نجفی، مترجم) تهران: انتشارات سیمای جوان.

عابدی، ا. و شوخی، ع. و جعفری هرنندی، ب. (۱۳۸۶). *روش شناسی اقدام پژوهی و کاربرد آن در*

- پژوهش های علوم رفتاری. روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه), ۱۳(۵۱), ۷۱-۸۹.
- عبدی, ف. (۱۳۹۲). سامانه فرماندهی و کنترل C5I2 و بررسی نقش رایانه ها در آن. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی, ۴۲.
- عزیزی, م. (۱۳۹۶). الگوی سازمان برای رزم جهت تقویت توان رزمی نیروهای مسلح در جنگ های آینده. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- علوی, س., & مظلومی, ع. (۱۳۹۰). نقش و جایگاه فاوا در کنترل و فرماندهی اثر بخش بر عملیات واکنش سریع.
- قائدان, ا. (۱۳۸۲). سازماندهی نظامی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- قلی پور, آ. (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی-رفتار فردی. تهران: سمت.
- گمینیان, و., & گودرزی, ا. (۱۳۸۱). اصول و مبانی و نظریه های جو و فرهنگ سازمانی (جلد چاپ اول). اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- محمدی, ا., & خرازیان, پ. (۱۳۹۳). مدیریت صحنه نبرد (فرماندهی و کنترل) (جلد چاپ دوم). تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- ممی زاده, ج. (۱۳۷۳). مدیریت فرهنگ سازمانی. فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه, ۸(۲), ۷۴-۸۹.
- نیازی, & همکاران. (۱۳۹۰). نیروهای مشترک و مرکب (جلد چاپ اول). تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- یزدخواستی, ع. (۱۳۸۸). رابطه بین نوع فرهنگ سازمانی با رهبری. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی, ۶(۹), ۱۱۳-۱۲۶.